

ترجمة الصلوة

السيد كاظم الرشتي

النسخة العربية الأصلية



ترجمة الصلوة

من مصنفات

السيد كاظم بن السيد قاسم الحسيني الرشتي

جواهر الحكم، المجلد العاشر

شركة الغدير للطباعة والنشر المحدودة

البصرة - العراق

شهر جمادى الاولى سنة 1432 هجرية

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام على خير خلقه و مظهر لطفه محمد وآله الطاهرين

اما بعد پس چنین گوید بنده خاکسار و ذره بيمقدار محمد كاظم بن محمد قاسم الحسيني الرشتي که چون نماز اعظم ارکان دین است و اقوای اعمال مسلمانین که بقبولش سایر اعمال مقبول و عدم قبولش کل اعمال مردود و مقام توجه بحضرت قدس است و رتبه اتکائی بر سریر انس چنانچه حدیث نبوی (ص) الصلوة معراج المؤمنین بر آن دلیلی است واضح و شاهدهی است روشن پس صرف همت در تصحیح و تنقیح آن از جمله لوازم و کمال توجه بقلب در آن واجب و متحتم و چون وصفش دون ذاتش باحسن لغات که لغت عربیت است موضوع لهذا فارسی زبانان را که انس بلغت عرب نیست از معانی و دقایق و حکم و اسرار آن حظی نیست و باین علت لذت اقبال و حسن عبادت و کمال توجه و اخلاص قلب ایشان را حاصل نیست لهذا بعض از ارباب ایمان که بزور صلاح و تقوی آراسته و بحلیت صدق و دیانت پیراسته طالب طریق قویم و جویای صراط مستقیم اکمل الله له الايمان و افاض علیه من کمال البر و الاحسان انه کریم رحیم منان از این حقیر ملتمس که معانی و بعض اسرار جزئیة نماز را بزبان فارسی در سلك تحریر و تسطیر درآورم تا عوام نیز از معانی آن



ORIGINAL

اطلاع بهم رسانیده شاید توجه تام بجناب ملك علام رسانند و بمدلول الدال علی الخیر کفعله این روسیاه نیز مشمول عنایات الهیه گردم و لکن چون وقت تنگ و اشغال بسیار و قلب غیر مجتمع میسر نشد که حقیقت حال را کاینیگی بطوریکه ممکن است اظهار آن در معرض عرض درآورم بکمال اختصار و غایت اقتصار کفایت کرد و الله المستعان

بدانکه شیخ صدوق (ره) در امالی بسند خود از ابن عباس روایت کرده که جناب پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود که حضرت حق جل و علا را ملکی هست که او را استخائیل (استخائیل خل) مینامند و موکل است بگرفتن براتها از برای نماز گذارندگان در نزد هر نمازی از جانب پروردگار عالم پس چون صبح کنند مؤمنین و برخیزند برای نماز پس وضو میگیرند و نماز صبح را ادا میکنند براتی از جانب خداوند عزوجل برای ایشان میگیرد باین مضمون که منم خداوند باقی ای بندگان و کنیزان من در حرز و حمایت خود قرار دادم شما را و در حفظ خود و تحت کنف حراست خود گردانیدم شما را قسم بعزت خود که شما را مخدول نخواهم کرد و گاهان شما آمرزیده است تا وقت ظهر پس چون وقت ظهر درآید پس برخیزند مؤمنین برای نماز ظهر پس وضو بگیرند و نماز بجای آورند آن ملك از جانب خداوند عزوجل برات دوم میگیرد برای ایشان که نوشته است در آن که منم خداوند قادر ای بندگان و کنیزان من بدل کردم سیئات و گاهان شما را بحسنات و آمرزیدم گاهان شما را و جای دادم شما را بجهت خوشنودی من از شما را در خانه جلالت و عظمت پس چون وقت عصر درآید و مؤمنین برای نماز برخیزند و وضو بگیرند و نماز بجای آورند ملك برای ایشان برات سوم بگیرد که نوشته است در آن منم خداوند جلیل جلیل است ذکر من و عظیم است پادشاهی من ای بندگان و کنیزان من حرام کردم بدنهای شما را بر آتش و ساکن گردانیدم شما را در مسکن نیکوکاران و دفع کردم برحمت من از شما شر اشرار را پس چون وقت مغرب دررسد پس مؤمنین برخیزند و وضو بگیرند و نماز بجای آورند آن ملك برای ایشان برات چهارم بگیرد که در آن نوشته است منم خداوند جبار کبیر متعال ای بندگان و کنیزان ملائکه من از پیش شما بالا رفته اند و از شما راضی و خوشنودند و سزاوار است که من راضی شوم از شما و بدهم بشما روز قیامت آرزوهای شما را پس چون وقت نماز عشا دررسد آن ملك برای ایشان برات پنجم بگیرد که در آن نوشته است که منم خداوندی که هیچ معبودی غیر از من نیست و هیچ پروردگاری بجز من نه ای بندگان و کنیزان من در خانهای خود خود را پاك كردید و بخانه من پاك آمدید و در یاد من خوض کردید و حق مرا شناختید و آنچه بر شما واجب کردم ادا نمودید گواه میگیرم تو را ای استخائیل و سایر ملائکه را که من راضی شدم از ایشان پس استخائیل هر شب بعد از عشا سه نوبت صدا بلند میکند و ندا میکند که ای ملائکه خداوند عالم بدرستی که خدای جل و علا آمرزیده است نماز گذارندگان و توحید کننده گان را پس باقی غمی ماند ملکی در هفت آسمان مگر اینکه استغفار میکنند برای نماز گذارندگان و دعا میکنند برای ایشان که توفیق مداومت را بیابند و هر مرد یا زنی را که نماز شب روزی شود برخیزد از خوابگاه خود با اخلاص پس وضوی کامل بگیرد و نماز بجای آورد برای خدای عزوجل با نیت درست و دل سالم از وساوس نفسانیه و شیطانیه و بدن خاشع و چشم اشکبار از خوف خدا قرار میدهد خداوند عزوجل در پشت سر آن مؤمن یا مؤمنه نه صف از ملائکه هر صفی عدد ایشان را بغیر از خدا نمیداند يك طرف آن صف بمشرق متصل و طرف دیگر بمغرب پس چون فارغ شود از نماز نوشته میشود برایش بعدد آن ملائکه درجات در بهشت منصور روایت میکند که چون ربیع بن بدر این حدیث را ذکر میکرد میگفت بجائی تو ای غافل از ادراك این کرم و بجائی تو ای غافل از نماز شب و از این ثواب عظیم پس خود را از این خیر عظیم محروم مکن و توجه کن در نماز و بآداب او را بعمل آور که چون نماز تو مقبول شد سایر اعمال تو مقبول میشود و چون نماز تو مردود شد همه اعمال تو مردود میشود و جناب امام زین العابدین (ع) فرموده که

قبول نمیشود از نماز مگر آنچه را که اقبال کنی بآن بدل تو و اتفاق میافتد که از بعضی نصف نماز ایشان مقبول میشود و از بعضی ثلث و از بعضی ربع بقدری که دل را از نماز بیرون نبرده پس سعی کن در اقبال و اخلاص که این هر دو منشأ سعادات و عمده خیرات میباشند

آغاز کلام - چون خواهی که نماز بجا آوری اول خود را پاک کن از نجاسات ظاهریه و باطنیه که اراده توجه بحظیره قدس و ملاقات با ملائکه اصحاب انس داری با نجاست ایشان از شخص دوری میکنند چه ایشان پاکاند با ناپاکان آشنائی نمیکند پس وضو بساز و اول روی خود را بشوی که میخواهی بجانب حضرت (حظیره خل) قدس روآوری و دستها را تا ذراع بشوی که میخواهی بلند کرده از او طلب حوائج کنی و خاضع و خاشع شوی و پاها را مسح کن تا سعی بجانب او نمائی و رو (سرخل) را نیز مسح کن که محل برکت است و نزول رحمت پس مستشعر باش عظمت خداوند را و کبریا و جلالت او را و ضعف و فقر و عجز و ذلت خود را پس بگو در اذان الله اکبر الله اکبر الله اکبر یعنی عظیم و بزرگست خداوند جلیل تبارک و تعالی و بزرگتر است از آنکه بوصف درآید یا بدانش کسی آید یا ادراک در مقام معرفتش قدم نهد بلکه از آن عظیم تر و بزرگتر و جلیل تر است از اینکه مخلوق را با او نسبتی باشد و یا در نزد حرم کبریا او مذکور گردند یا او را وصف توانند کرد مگر بآن وصفی که خود را بآن توصیف کرد برای خلق که سبحان ربك رب العزة عما يصفون پس بتکبیرات اثبات فقر و بی اعتباری و بی قدری خود و عظمت و جلالت و قهاریت و عدم وصول خلق بمعرفت بوجهی من الوجوه پس توجه کن بجانب او و اقرار کن بتفرد و استقلال او و اینکه غیر او چیزی مستقل و متحقق و ثابت نیست پس بگو اشهد ان لا اله الا الله اشهد ان لا اله الا الله یعنی گواهی میدهم و شهادت میدهم که نیست معبودی شایسته عبادت و پرستش موجود و متحقق و ممکن بجز ذات بی همتای حضرت احدیت جلت عظمت آن خداوندی که خلق متحیر و سرگردان میباشند در معرفت عظمت و جلالت او زیرا که مستقلی غیر او نیست چنانچه در تکبیر معلوم شد پس اوست واحد (احد خل) در ملک و قیومیت و چون شهادت از دو عادل قبولست لاجرم بظاهر و باطن خود گواهی میدهد باین جهت است که دو مرتبه شهادت لازم باشد پس چون اثبات تفرد و استقلال و وحدانیت او تعالی نمودی و اینکه اجل است از مباشرت و معاشرت خلق تا بیواسطه فیض وجودی و شرعی خود را بخلق برساند پس لازم شد واسطه که فیض از او اخذ (واحد خل) نموده بخلق برساند بعلت مناسبت با خلق و ترجمه کند برای ایشان و حیهای خدا را موافق و مناسب لغت و فهم ایشان پس اقرار برسالت و نبوت آن واسطه که متمم اقرار بوحدانیت است کن پس بگو اشهد ان محمدا رسول الله (ص) اشهد ان محمدا رسول الله (ص) یعنی گواهی میدهم که محمد بن عبدالله بن عبدالمطلب صلی الله علیه و آله فرستاده خداست بخلق بجهت تبلیغ و ادای جمیع تکالیف که از خلق میخواهد بعلت احتیاج خلق و عدم تمکن ایشان از اخذ و تلقی از جناب رب العزه بدون واسطه پس بایست که اقرار کنی و اعتقاد نمائی بجمیع ما جاء به النبي صلی الله علیه و آله که از آن جمله نصب خلیفه و وصی بلا فصل جناب امیرالمؤمنین (ع) با یازده فرزند ارجندش امامان دین و هادیان طریق یقین سلام الله علیهم اجمعین و از آن جمله معاد و حشر ارواح و اجساد و همچنین سایر اعمال و اقوال و اعتقادات که از شرع مبین به نص خاتم المرسلین علیه و آله صلوات الله ابد الآبدین ثابت و محقق گشته پس اگر گواهی بولایت امیرالمؤمنین علیه السلام را نیز مقرون بشهادت برسالت سازی بسی زیبا و پسندیده و نیکو و زیننده و لکن جزء اذان و اقامه باید ندانی چون اقرار و اعتراف بوحدانیت و یگانگی حق تعالی و استقلال او سبحانه و تعالی و اضمحلال ماعدا و اقرار به رسالت خاتم انبیاء صلی الله علیه و آله نمودی پس مستشعر شو و بخود آی و بفهم که نفی برایت نیست الا در طاعت و بندگی و توجه بجانب حضرت حق تعالی بآن

قانون و روشی که خاتم انبیاء صلی الله علیه و آله قرارداد فرموده و چون اعظم طاعات و اهم عبادت نماز است پس بر نماز قیام به بندگی نما و نفس خود را مخاطب ساز از جانب حق تعالی پس بگو حی علی الصلوة حی علی الصلوة یعنی اقبال کن و بشتاب بسوی نماز بظاهر و باطن که نماز معراج مؤمن است و سبب وصول بمقامات عالیّه و باعث عطاهاى بی پایان و کمال عبودیت محضه برای خالق منان پس ذکر کن ثمره و علت نماز را از جانب حق تعالی که موجب رستگاری و فوز عظیم است در دنیا و آخرت پس بگو حی علی الفلاح حی علی الفلاح یعنی بشتاب و اقبال کن بسوی رستگاری از مکاره دنیا و فوز عظیم باعلا مقامات درجات آخرت چه هر کس دو رکعت نماز مقبول بجای آورد حق تعالی او را عذاب نخواهد کرد و چونکه فلاح و رستگاری کسی خیال میکرد که از غیر نماز حاصل میشود و حال آنکه حاصل نمیشود کما ینبغی الا بنماز لاجرم ذکر کن برای نفس خود که حقیقت فلاح و رستگاری منحصر بنماز است و نماز اعظم ارکان دینست پس بگو حی علی خیر العمل حی علی خیر العمل بشتاب بسوی نیکوتر اعمال و پسندیده تر افعال که هیچ عملی از او بهتر و هیچ عبادتی از او شایسته تر نباشد پس چون افضل و اکمل و بهترین اعمال شد پس فلاح و رستگاری که در این عمل متصور است در هیچ عملی متصور نخواهد بود پس بخود آی و بهوش باش که اعمال هر چند اسباب وصول بدرجات عالیّه و مقامات متعالیه است و لیکن اعتماد بر عمل نشاید و رکون بآن خسارت دنیا و آخرت آورد چه اعمال در جنب معاصی بندگان و نعمتهای گوناگون بی پایان حضرت سبحان چه مقدار دارد که عامل بآن تواند مستحق مرتبه از مراتب بشود و بآن داخل بهشت شود پس توجه بجانب خدا کن و عظمت و کبریائی او را در نظر آور و بدانکه بغیر از فضل و کرم او چیزی بکار نیاید پس بگو الله اکبر الله اکبر یعنی خداوند عالم جلت عظمته اعظم و اکبر و اجل از آنست که نظر باعمال ما کند و بآن پاداش دهد ما را اشیا را در نزد او تحقیق و مقداری نیست پس بفضل و کرم خود رحمت کند و این عمل وسیله وصول بفضل و کرم او است پس چون اثبات اضمحلال اشیا بتکبیر کردی پس بسر منزل توحید قدم نه و بگو لا اله الا الله لا اله الا الله یعنی موجودی متأصل و صاحب اثری متحقق نیست مگر ذات بی همتای حضرت کریم منان و قادر سبحان تعالی شأنه و جل احسانه و اعظم (عظم ظ) انعامه پس قطع کن کلام را و یک گام بردار یا سجده کن و در سجده بگوی لا اله الا الله انت ربی سجدت لك خاضعا خاشعا باز (یا خل) بگو رب سجدت لك خاضعا خاشعا ذلیلا یعنی نیست معبودی سزاوار پرستش مگر خداوند بی مثال سبحانه و تعالی بارالها توئی پروردگار من سجده میکنم برای تو در حالتیکه خاضع و خاشع میباشم برای تو پروردگارا سجده میکنم برای تو در حالتیکه خاضع و خاشع و ذلیل و در نماز مغرب سجده کردن مستحب نیست میان اذان و اقامه پس برخیز و متوجه اقامه شو مثل اذان و لیکن الله اکبر دو بار بگو و قد قامت الصلوة بیفزای لا اله الا الله در آخر یکبار بگو و سبب اذان و اقامه آنست که انسان را جسمی است و روحی و هر یک را دو مرتبه است مرتبه اعلی و اسفل پس باذان اعلام میکند جسم خود را بدو مرتبه اش و در اول چهار تکبیر میگوید در مقام هر عنصری از عناصر اربعه که حقیقت جسم مرکب از آنست و در مابقی اذکار دو مرتبه میگوید بعلت دو مرتبه وجود خود چه نماز بایست بکل مراتب بعمل آورد و اقامه اعلام عالم ارواح است و تذکارش توجه بجانب حق تعالی به نماز باین علت است که در اذان صوت را بلند میکنند و در اقامه نمیکنند

پس نیت کرده برای نماز بایست و تکبیر الاحرام بگو و قلب خود را متوجه کن و حواس خود را جمع ساز و اعضا و جوارح خود را ساکن گردان زیرا که میخواهی که ادای امانت کنی که آسمانها و زمینها و کوهها از تحمل و محافظت آن عاجز شدند و از قهر و سطوت جبار عالم در نزد تضییع آن خائف و هراسان پس مستشعر باش که مانند بندگان بخدمت

سید و مولای خود قیام و اقدام نمودی و کمال حسن خدمت که شیوه بندگان با اخلاص است بایست بعمل آوری چون جهل و عجز و فقر ذاتی ممکنست لاجرم خدمت که لایق باشد جز بتعلیم خداوند کریم ممکن نیست و وصفی که سزاوار باشد جز بتوصیف حضرت جبار میسر نی که قال عزوجل و اذکروه کما هداکم یعنی پرستش کنید او را بطوریکه خود بیان فرموده پس مشغول قرائت حمد شو که اشرف سوره قرآنی و مبدء مفاتیح عوالم غیبیه است و مجمع جمیع اسرار الهیه است و مخزن جمیع علوم لاهوتیه و ناسوتیه و اوست سبع المثانی و علت مبانی و معانی پس بگو بسم الله الرحمن الرحیم یعنی ابتدا میکنم و استعانت میجویم در جمیع امور خصوصاً در حفظ و اعانت بر ادای نماز بر مثال اصحاب راز و ارباب نیاز بجمیع حدود و شرایط و آداب بنام خداوندی که کامل مستجمع جمیع کمالات و منزّه از جمیع نقایص که این صفت دارد رحمن است یعنی خالق خلق است و رازق عباد و محیی بلاد و منقی (مفنی خل، مبقی ظ) احیاء و ناشر اموات و رساننده است بهر صاحب حقی حقش را از مؤمن و کافر و مطیع و فاجر و بزرگ و کوچک و بیمار و تندرست و غیر اینها و این صفت دارد رحیمست یعنی آمرزنده گناهانست و عطاکننده از فضل و کرم خود مر مؤمنان و مخلصان را الحمد لله رب العالمین یعنی جمیع ثناء و ستایش و تمامی فواضل و کمالات مخصوص خداوندی است که پرورش کننده عالمیانست از هزارهزار عالم و هزارهزار آدم کلا در قبضه قدرت و اختیار او است و تربیت میکند هر یک را فراخور استعداد و قابلیتش الرحمن الرحیم بخشنایند است و مهربان مالک یوم الدین پادشاه روز جزاست و قسم بهشت و دوزخ و رساننده اهل بهشت به بهشت و اهل دوزخ بدوزخ و اهل حظایر بحظایر ایاک نعت تو را عبادت میکنیم بس و ایاک نستعین و از تو استعانت میجوئیم بس که بجز تو همه مضمحل و باطل و از غیر از تو جمله فانی و زایل اهدنا الصراط المستقیم ارشاد و هدایت کن ما را براه راست و جاده مستقیم صراط الذین انعمت علیهم براه آن کسانی که انعام کرده ای تو بر ایشان از فضل و کرم خود مانند صدیقان که تصدیق کردند بعظمت و قهاریت و استیلاء و احاطه و قیومیت تو پس منع کردند قلوب خود را که جز تو را یاد کند و قوا و حواس و مشاعر خود را که جز بتصور عظمت و کبریائی و جبروت تو مشغول شوند و منع کردند اعضا و جوارح خود را که جز در خدمت گذاری تو صرف کنند و مانند شهیدان که نفوس و شهوات خود را برای رضای تو سلب کردند و نفوس خود را بالمره در محبت تو کشتند و از خود فانی شدند و بتو باقی و مانند صالحان که پیوسته حاضر بزم حضور و مقابل فواره نور ایشانند که نعمت از فضل و کرم تو شامل حال ایشان شده و ایشان را از خود برده و بتو سپرده پس ما را هم در سلك ایشان منسلک و در نظم ایشان منتظم گردان غیر المغضوب علیهم نه راه کسانی که بر ایشان غضب کرده و از باب رحمت خود رانده و حلاوت محبت خود را بایشان نچشانده مقید بشهوات (بوثائق شهوات خل) اسیر در زندان ظلمات انیات و لا الضالین و نه راه گمراهان و از مشاهده نور معرفت تو کوران و از لذت حلاوت ذکر تو بیخبران پس چون کلام بانجا رسانی بخود آی و عظمت الله را در نظر آر و بترس از آنکه رحمت شاملت نشود و حذر کن از آنکه این نعمت واصلت (از تو و اهلت خل) نگردد پس منقطع شو بحضرت قدس و متوجه شو بحظیره انس پس اندکی ساکت شو و بعد از آن شروع کن در سوره دیگر که آن سوره تفصیل این اجمال و تبیین این احوالست پس چون این سوره مبارکه را که جامع دو اصل یکی توحید دوم ذکر محمد صلی الله علیه و آله و اهل بیت طاهرین او (ع) است پس از سوره ها اختیار کن برای رکعت اول سوره را که منسوبست بجناب پیغمبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت اطهارش (ع) و از برای رکعت دوم سوره که منسوبست بتوحید و مذکور است در او مقامات تفرید و احسن سور در نسبت اولی سوره قدر است و در ثانیه سوره توحید هر چند تو را اختیار است در اختیار هر سوره که خواهی بسم الله الرحمن الرحیم انا انزلناه فی لیلۃ القدر بدرستی که ما فرو فرستادیم قرآن را در شب قدر و ما ادریک ما لیلۃ القدر و چه میدانی تو از عظمت و مقدار و رفعت مقام شب قدر را لیلۃ القدر خیر من

الف شهر شب قدر شبیست که ملائکه زمینها و آسمانها و ساکنان کرسی و حاملان عرش جملگی بر امام زمان علیه السلام نازل میشوند و جمیع اخبار و وقایع و احوال از آنچه محتوم است و از آنچه مشروط است و از آنچه شرطش واقع میشود و آنچه شرطی (شرطش خل) واقع نمیشود و جمیع احوال خلق را کلا بامام زمان (ع) خبر میدهند با سایر اسرار غیبیه و رموزات مخفیة و در همان شب بقدر ملائکه مذکوره شیاطین نازل میشوند بر رئیس اهل باطل در آن زمان پس خبر میدهند او را بجمیع امور باطله و علوم افلاکیه (افکیه خل) کاذبه و رسوم معوجه مغیره و امور باطله که مشابه حقست بجهت تمویه بر ضعیفاء مؤمنین بالجمله آن شب روی زمین تنگ میشود از کثرت نزول ملائکه بر امام حق (ع) و کثرت ورود شیاطین بر امام باطل علیه اللعنة و العذاب و باین علت آن شب را شب قدر گویند و این نعمت عظمی از خواص محمد (ص) و آل اطهار او است صلوات الله علیهم و در هر سال مستمر است الی یوم القيمة پس خداوند عالم خبر میدهد که این شب بهتر است از هزار ماه که بنی امیه لعنهم الله تعالی مستولی بر حکم بودند و غصب حق از اهل حق نمودند و آن هشتاد سال است تنزل الملائكة و الروح فیها باذن ربهم من کل امر سلام نازل میشوند در این شب ملائکه از تمامی آسمانها و از عرش و کرسی بر امام علیه السلام و نازل میشود روح که ملکیت اعظم از جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و عزرائیل که تسدید ائمه علیهم السلام می کنند و ایشان نازل میشوند در این شب و خبر میدهند از هر امری بسلامت و صحت و عدم قصور و فتور و عدم اعوجاج بلکه خبر میدهند اشیاء را علی الحق و طریق مستقیم هی حتی مطلع الفجر این امور و احوال ثابت است و کاینست تا طلوع صبح یا آنکه این شب جامع این احوال است تا طلوع صبح بسم الله الرحمن الرحیم قل هو الله احد بگو ای محمد (ص) که خداوند تعالی یکی است بی شریک و بی مثل و مانند و بی نظیر و بی وزیر و بی مشیر و بی جزء و بی ترکیب الله الصمد پرورد گاریست غنی و بی نیاز همه باو محتاج اند و او بکسی محتاج نیست لم یلد نژاد و اولادی برایش نیست و الا شریک بودند با او و جزئی برایش پیدا میشد و لم یولد از چیزی متولد نشده و الا آن چیز مقدم بود و اصل و محال است بر خدا چیزی مقدم باشد و لم یکن له کفوا احد و نیست برای او ماندی و همسری و احد است در ذات خود و واحد است در صفات و واحد است در افعال و واحد است در عبادت پس چون سوره را با تمام رسانیدی و توجه تام بحضرت قدس نمودی و فعل و قول بعمل آوردی و قیام بخدمت نمودی پس خاضع شو و ذلیل باش و بدان که این قیام و این اعمال نه از قدرت خود است بلکه مقامت فنا است و مسکنت تراست پس رو آر بسوی خاک و بایست بحد راکع و گردن را کشیده نگاه دارد و پشت را چنان خم کن که اگر قطره آبی بیفتد نسبتش بهمه اطراف علی السوی باشد پس مستشعر باش بر ضعف خود و فقر و ذلت خود را و بر خود قرار ده کمال عبودیت را هر چند گردنم را ببرند پس تسبیح و تنزیه کن خداوند را و بگو سبحان ربی العظیم و بجمده یعنی تسبیح و تنزیه می کنم حق تعالی را از جمیع صفات امکانیه تنزیه کردنی در حالتیکه من مشغولم بحمد و ثنای او پس سر بردار و مستشعر باش که از خاک ایجاد شده ام پس بگو سمع الله لمن حمده یعنی شنید خداوند کریم و قبول کرد بفضل و کرم خود مر کسی را که حمد او کرده و ثنای او را بجای آورده اگر چه این حمد و ثنا لایق جلال و عظمت او نیست پس تکبیر بگو و رو آور بعظمت خدا و تفرد او و اضمحلال ماسوا و اینکه هر زنده می میرد پس رو بخاک آر برای سجد و اعضای سبعة را که اهم و اعظم و اشرف اعضا است بخاک بحسبان و بخاطر آر که دومرتبه خواهی مرد و با خاک یکسان خواهی شد چنانکه اول مرتبه در خاک بودی و از خاک آفریده شدی پس پستی مرتبه خود و علو و رفعت و قدر خداوند جبار را متذکر شو و بگو سبحان ربی الاعلی و بجمده یعنی پاک و منزّه است از جمیع نقایص و صفات خلقیه و سمات امکانیه پرورد گار من که بلند است قدرش و عالی است جلال عظمتش از اینکه برسند باو عقول و اوهام و افهام و مدارک و مشاعر از کل خلق از ملک مقرب و نبی مرسل پس در سایر ادعاها بطریق اولی و من مشغولم بحمد و شکر او

و ثنا و ستایش او پس سر بردار و متذکر شو که دومرتبه زنده خواهند کرد تو را در قبر و از تو سؤال خواهند نمود آنچه را که ترا بآن تکلیف کرده‌اند و خواهند نوشت بر تو اعمال حسنه و سیئه ترا و آن شغل ملکیت که او را رومان نامند پس توبه کن از گناهان و سیئاتی که کرده‌ای و می‌ترسی که بر تو نوشته شود و عقوبتش لازم تو گردد پس بگو استغفر الله ربی و اتوب الیه یعنی طلب میکنم آمرزش را از خداوندی که پروردگار منست و بازگشت میکنم و رو می‌آورم بسوی فضل و کرم او پس باز نظر کن بحال خود و اضمحلال و ناچیزی خود و استقلال و تفرد حق تعالی را پس بگو الله اکبر یعنی برای خدا ثابت است عظمت و کبریا و بقا و دوام پس بخاطر آور که باز دومرتبه خواهند خلق مرد در نزد نفخه صور پس باز بخاک بیفت و خود را مرده انگار و از حرکات نفسانیه و جسدانیه دست بازدار پستی مرتبه خود را نظر نموده خداوند را بعلو مقام یاد کن و بگو سبحان ربی الاعلی و بحمده پس سر بردار و یاد حشر اکبر و نشر روز قیامت کن و بگو الله اکبر کبریا و عظمت لایق حضرت پروردگار است و کل خلائق مضمحل و نابود در قیامت امری جز امر او و حکمی غیر از حکم او نباشد و معنی و الملک یومئذ الله بر خواص و عوام ظاهر و هویدا گردد پس برخیز بجهت قیام قیامت و بگو بحول الله و قوته اقوم و اقعد یعنی بحول خداوند عزوجل و تحویل و تغییر دادن او مرا از حالی بحالی و از حکمی بحکمی و بقوه و اقتدار او میایستم و می‌نشینم پس بایست و مشغول قرائت باش بترتیبی که سابق مذکور شد پس بترتیب سابق رکوع و سجود کرده بعد از رفع رأس از سجده دوم تشهد بخوان و متذکر باش صحرائی محشر را و اینکه خلائق نامه اعمال ایشان در دست ایشانست پاره‌ای بدست راست دارند و پاره‌ای بدست چپ پس خلائق کلا در آن روز بصورت تشهد متورک نشسته حساب بولی میدهند پس آن روز را بخاطر آورده و آن مجلس را متذکر شده مشغول حساب دادن باش و بگو اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له یعنی گواهی میدهم باینکه نیست خداوندی لایق پرستش و عبادت مگر خداوند تبارک و تعالی که واحد (احد خل) است و شریکی برای او نیست در ذات که قدیمی باشد بجز او و در صفات که مثلی باشد برای او یعنی بمعنی صفت او برای کسی صفتی باشد و در افعال یعنی در ایجاد موجودات و کافه مصنوعات برای او شریکی یا معینی یا وزیری یا مشیری یا وکیلی باشد یا مانند غلامی که باذن و امر آقای خود کاری بانجام رساند بلکه او است سبحانه و تعالی متفرد و متوحد در ایجاد و خلق و رزق و احیا و اماته خالق و رازق بجز او نباشد اگر چه باذن و امر او باشد مثل وکیل و غلام و در عبادت یعنی بجز او سبحانه و تعالی چیزی را مستقل نبیند و چیزی را منشأ اثر نداند و وجود و عدم اشیاء در نظر او علی السویه باشد و مصداق آیه کریمه لا تأسوا علی ما فاتکم و لا تفرحوا بما آتاکم بوده باشد و اشهد ان محمدا عبده و رسوله یعنی گواهی میدهم باینکه محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله بنده او است خاضع و خاشع برای او است مقهور در تحت سلطنت و کبریائی (کبریای ظ) او است نه شریک است با او نه خالق است بدون او و نه با او و نه او سبحانه در او حلول کرده و نه امور خلق و رزق و احیا و اماته و سایر احکام وجودیه و شرعیه مفوض با او است با انعزال حق سبحانه و تعالی مثل تفویض امر موکل بویکل و تفویض امر پادشاه بوزیر و نه تفویض امور مولا بغلام و گواهی میدهم که اوست پیغمبر و فرستاده از جانب خدای تعالی بسوی کافه مخلوقات و عامه موجودات و هر صاحب شعور و ادراکی که قلم تکلیف بر او جاری شده از هر جنس و هر نوع و هر صنف و هر شخص و پیغمبری پیغمبران جمله در نزد ظهور پیغمبریش منقطع گشته هر چه غیر او است تابع و رعیت اوست پس بالضروره اقرار دارم که جمیع آنچه از جانب خدا خبر داده و بخلاق رسانیده حقست و هیچ شکی و ریبی نیست و اوضح از همه و اجلی از جمله امر وصایت و خلافت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام با اولاد طاهرینش صلوات الله علیهم و بیزاری از اعداء و مخالفین ایشانست اقرار آوردم و اعتراف کردم و دل را بآن منعقد ساختم پس در این شهادتین و اقرار و تصدیق بآن که محمد و اهل بیتش صلوات الله علیهم واسطه فیض اند خدا و خلق و قوام

ماسوای ایشان وابسته بوجود ذی جود ایشانست و ایشان را غنائی از خداوند قهار نیست و دایم محتاج و مستند از حضرت کردگار لاجرم توجه بجانب حق نموده و دوام مدد و استمرار افاضه را بر ایشان از حضرت کریم منان طالب شو و بگو اللهم صلی علی محمد و آل محمد یعنی بارالها صلوات بفرست بر محمد و آل محمد و صلوات یا مشتق از صله است بمعنی عطیه یا از وصل است بمعنی اتصال یا از صلوات است بمعنی متابعت پس بنا بر معنی اول معنی چنین است که بارالها عطا کن بفضل و کرم خود از فیوضات غیر متناهی و امدادات غیر منقطعه محمد و آل اطهارش را تا ایشان بدوام و استمرار افاضه ما ضعیفان را مستفیض گردانند و تقبل شفاعته فی امته و ارفع درجه یعنی قبول کن شفاعت آن بزرگواران را درباره امتی که اجابت دعوت او کردند در خصوص وصایت وصی و خلیفه او ابن عمش امیرالمؤمنین علیه السلام با خلفاء راشدین از ذریه طاهرین و عصمت و طهارت صدیقه طاهره فاطمه زهرا صلوات الله علی ابیها و بعلها و بنیها و علیها پس آن حضرت بعلت کمال رحمت و رأفت که با این امت دارد شفاعت ایشان را بر ذمه خود لازم و متحتم گردانید پس شفاعتش را درباره امتش قبول کن و درجه او را بلند گردان تا پایه ادراك احدی باو نرسد و بدانکه نماز در اول تکلیف دو رکعت بیش نبود که رکعت اولی بازای اهل دنیا و رکعت ثانیه بازای اهل آخرت پس جناب پیغمبر صلی الله علیه و آله تفصیل دادند این دو مقام را و دو رکعت دیگر در پاره‌ای از نمازها افزودند بازای اهل برزخ و اهل رجعت که مندرج در ضمن دنیا و آخرت بودند و در پاره‌ای از نمازها یک رکعت افزودند بازای اهل برزخ که رجعت حقیقه از سنخ عالم برزخ است و در پاره دیگر هیچ نیفزودند برای بیان اینکه زیادتیه‌ها را دو رکعت متضمن و شامل است پس در این صلوات خمس احوال جمیع مراتب را برای جمیع مخلوقات با اختلاف مراتب و درجات ایشان بیان فرمود پس چون پیغمبر صلی الله علیه و آله عین صلاح و حکمت و صواب بود چه خداوند عالم قلبش را مطهر از اوساخ شهوات فرموده پس قول او قول خدا و امر او امر خدا و نهی او نهی خدا و طاعت او طاعت خدا و معصیت او معصیت خدا خواهد بود لهذا آن زیادتیه‌ها را جزء نماز کرده در دو رکعت اول بتشهد تنها اکتفا شد پس بعد از فراغ از تشهد برخیز برای دو رکعت دیگر در ظهر و عصر و عشا پس مخیری میانه حمد و میانه تسبیحات اربع پس اگر حمد بخوانی سوره ضرور نیست و اگر تسبیح میخوانی بگو سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر یعنی تنزیه میکنم خدا را از جمیع صفات امکانیه و حالات خلقیه و قرانات کونیه از هر چه محسوس شود و متخیل گردد و بقوه مفکره و واهمه درآید و بتصور نفس مصور گردد و بقوه عاقله مدرک شود و در نزد فؤاد ظاهر و منکشف گردد و حمد میکنم خداوند را بر نعمتهای غیر متناهیه او از نعمت خلق و حیات و رزق و موت و سایر نعمتها و توحید میکنم او را از جمیع اضداد و انداد باینکه نیست معبودی سزاوار پرستش بغیر او سبحانه و تعالی و تکبیر میگویم با اینکه او سبحانه و تعالی اکبر و اجل است از اینکه بفهم علما و عقل حکما و ادراک انبیاء و اولیا درآید و از اینکه خلقش ناقص باشند و اینکه نواب و خلفایش بجمیع کمالات امکانیه موصوف نباشند بدانکه حق تعالی عرش را مرکب از چهار نور خلق فرموده و هر نور را خلق فرمود از شعاع کلمه از این کلمات پس نور ابیض را که رکن ایمن اعلائی عرش است از شعاع سبحان الله مخلوق ساخت و نور اصفر را که رکن ایمن اسفل عرش است از شعاع الحمد لله خلق فرمود و نور اخضر را که رکن ایسر اعلائی عرش است از شعاع لا اله الا الله خلق فرمود و نور احمر را که رکن ایسر اسفل عرش است از شعاع الله اکبر خلق فرمود و مدار عالم برعرشت و مدار عرش باین کلمات پس سه مرتبه این کلمات را تکرار کن بنا بر احوط بجهت تمام عدد دوازده بعلت ظهور این چهار رکن در سه عالم جبروت و ملکوت و ملک پس چون از تسبیحات فارغ شوی بدستور سابق رکوع و سجود بجا آر و اگر در ظهرین و عشا است رکعت ثانی را نیز بدستور مذکور از تسبیح و رکوع و سجود بجا آر و بعد از اكمال سجدتین نشسته تشهد بدستور سابق بخوان تا حد صلوات و بخاطر آرزو صحرای محشر را و نشستن پیغمبر صلی الله علیه و

آله را بر منبر وسیله و بودن خلق در یمین و شمال آن منبر و نشستن ایشان بر هیئت تورك از برای حساب پس بعد از شهادتین و صلوات رو آور بجناب پیغمبر صلی الله علیه و آله و بگو السلام عليك ايها النبي و رحمة الله و برکاته یعنی تسلیم آنچه وعده کرده است خلق را از نعيم مقيم و عذاب الیم و تسلیم هر صاحب مرتبه مرتبه‌اش را در درجات بهشت و در درکات دوزخ بر تست یا رسول الله صلی الله علیه و آله و رحمت خدا و عظیم برکتهای او بر توباد پس حکایت از لسان (ایشان خل) پیغمبر صلی الله علیه و آله کرده بگو السلام علينا و علی عباد الله الصالحین یعنی تسلیم این مذکورات بر ماست و بر بندگان شایسته خدا که هرگز معصیت نکردند و ترك اولی نیز از ایشان صادر نشد و ایشانند امیرالمؤمنین با یازده فرزند ارجندش صلوات الله علیهم اجمعین چه ایشانند حامل امر و نهی ما پس بلافاصله بهمگی خطاب کرده بگو السلام علیکم و رحمة الله و برکاته یعنی تسلیم اینها همه بر شما است ای آل محمد صلوات الله و سلامه علیهم اجمعین با آنکه مصلی در این تسلیمات حکایت سلام خدا را میکند بر رسولش صلی الله علیه و آله در شب معراج زیرا که چون پیغمبر صلی الله علیه و آله بمقام او ادنی رسید خطاب از رب العزه در رسید که السلام عليك ايها النبي و رحمة الله و برکاته یعنی رحمتهای بی‌پایان و کرامتهای شایان من بر توباد ای فرستاده من و خبردهنده از من بعد از این خطاب حضرت رسالت مآب صلی الله علیه و آله اولاد اطهار خود را در این عطیه عظمی و موهبت کبری شریک فرموده چنانکه در واقع چنانست عرض کرد السلام علينا و علی عباد الله الصالحین پس حضرت رب العزه به مقتضای تمنای حبیب خود ایشان را هم شریک فرموده فرمود السلام علیکم و رحمة الله و برکاته سبحان ربك رب العزة عما یصفون و سلام علی المرسلین و الحمد لله رب العالمین

اینست مختصر آنچه بلسان ابکم بیان این قاصر جاری شد بجهت انتفاع عوام و تفصیل امر موکول است برساله مبسوطه که در اسرار الصلوة نوشته شده که او کافیهست مر طالب هدایت را و صلی الله علی محمد و آله الطاهیرین و الحمد لله رب العالمین